۱۰ فیثاغورس (۰/۲۵) ۱۱ مثلاً دامنهٔ کوه هم سربالایی است و هم سرپایینی است. (۰/۵) ۱۲ آراء و نظریات گوناگون و غالباً متضاد اندیشمندان (۰/۵) سبب شد تا نوعی تشویش و نگرانی (۰/۵)بر مردم آن روزگار غالب شود و بذر بی‌اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه در ذهن مردم پراکنده گردد. (۰/۵) ۱۳ پارمنیدس برای اولین‌بار به مفهوم «بودن» و «شدن» که از مفاهیم اصلی فلسفه هستند توجه دقیق کرد (۰/۲۵) او می‌گفت در جهان واقع، نیستی راه ندارد و نمی‌توان گفت «نیستی هست» (۰/۲۵) زیرا این جمله تناقض‌آمیز است. (۰/۲۵) ما با یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناناپذیر روبه‌رو هستیم (۰/۲۵) البته از طریق حواس نمی‌توان به این واقعیت رسید (۰/۲۵) و تنها با تفکر عقلی است که می‌توانیم این حقیقت را دریابیم (۰/۲۵) ۱۴ افراد متفکر و اندیشمند افکار را مورد نقد و ارزیابی قرار می‌دهند (۰/۵) و اگر منطبق با عقل و استدلال نبود آنها را نمی‌پذیرند (۰/۲۵) و تلاش می‌کنند سایر مردم را نیز از باطل بودن آن افکار آگاه کنند. (۰/۲۵)

درس ۵: زندگی براساس اندیشه

مفاهیم آموزشی

۱- سقراط
۱) سخنان شیرین و پرمعنا و به ظاهر ساده و گاه خنده‌آور سقراط ژرفای خاصی داشت.
۲) اخلاق و منش جذاب و رفتار متواضعانه و همراه با احترامی داشت که موجب جذب جوانان شده بود.
۳) در گشت و گذارهایِ در شهر، در دیدار با مردم و اشراف پیوسته مسائل روزمرهٔ زندگی را موضوع تفکر قرار می‌داد و با مردم سخن می‌گفت.
۴) با توجه به رفتارها و منش سقراط، سوفسطائیان برآشفتند و سقراط را به دادگاه کشاندند و او را در هفتاد سالگی زندانی و محاکمه و سپس به اعدام محکوم کردند. سرانجام زندگی سرشار از فضیلت سقراط با نوشیدن جام شوکران به پایان رسید.

۲- جامعهٔ آتن در زمان سقراط
۱) متأثر از اندیشه‌های سوفسطائیان بود.
۲) تحت تأثیر این اندیشه‌ها اخلاق و فضیلت میان مردم کم‌رنگ شده بود.
۳) بسیاری از مردم به دنبال حق جلوه دادن باطل بودند.

۳- ✪ عقاید سوفسطائیان
۱) جهان را نمی‌توان شناخت.
۲) آنچه علم و دانش می‌نامیم تنها ساخته و پرداختهٔ ذهن ماست و تطابقی با واقعیت‌ها ندارد.
۳) با کمک اقسام مغالطه‌ها و جدل و فن سخنوری به نشر اندیشهٔ خود پرداختند و بر زندگی مردم تأثیر گذاردند.

۴- تأثیر و نقش سقراط در جامعهٔ آتن (درمبارزه با سوفسطائیان)
۱) پرچم علم و فضیلت را برافراشت.
۲) برای احیای تفکر عقلانی قیام کرد.
۳) شالودهٔ تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت.
۴) هیچ کتابی ننوشت اما با فلسفه‌اش زندگی کرد، زندگی وی حکایت واقعی یک فلسفه است.

نکته: افلاطون شاگرد برجستهٔ سقراط، روایتگر زندگی و فلسفهٔ اوست.

۵- ✪ روش سقراطی
سقراط روش بحث ثابتی داشت. مفهومی از مفاهیمی را که در زندگی ما اهمیت حیاتی دارد برمی‌گزید و درباره‌اش پرسش می‌کرد. با توجه به پاسخ، سؤال دیگری طرح می‌کرد به طوری که مخاطب و پاسخ‌دهنده را به حقیقت می‌رساند و آنچه را که حق بود از زبان پاسخ‌دهنده به دست می‌آورد. این روش گفت‌وگو و پرسش و پاسخ سقراط به تدریج به «روش سقراطی» شهرت یافت.

۶- سقراط در برابر دادگاه
- سرانجام سقراط را به اتهام فاسد کردن جوانان و بی‌ایمانی به خدایان بازداشت و محاکمه کردند.

- اتهام سقراط به گفتهٔ مِلِتوس نمایندهٔ متهم‌کنندگان
۱) سقراط خدایانی را که همه به آنها اعتقاد دارند انکار می‌کند و از خدایی جدید سخن می‌گوید.
۲) با افکار خود جوانان را گمراه می‌سازد و آنها را از دین و آیین پدرانشان بازمی‌گرداند.

- ✪ ویژگی دفاعیهٔ سقراط
۱) بیانیه‌ای فلسفی بود.
۲) همهٔ اصول زندگی فلسفی سقراط را دربر داشت.

@KonkurVIPBook

ـ ✪ دلیل دانا دانستن سقراط توسط مردم: جست‌وجوی من (سقراط) برای شناخت کسانی که ادعای دانشمند بودن می‌کنند و جدا کردن آنها از دانشمندان حقیقی سبب شده که گروه بزرگی به غلط من را «دانا» بنامند در حالی که من دانا نیستم. شاید به این دلیل که چون هر بار نادانی کسی را آشکار می‌کردم حاضران در مجلس فکر می‌کردند آنچه را او نمی‌داند من می‌دانم، حال آنکه دانای حقیقی فقط خداست.

ـ ✪ راز پیام سروش معبد دلفی که در الهامی به کرفون گفته بود
۱) به ما بنمایاند تا چه پایه نادانیم.
۲) نام سقراط به عنوان مثال مطرح شده است.
۳) داناترین آدمیان کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی‌داند.

ـ اتهام انکار خدایان
۱) سقراط خورشید و ماه را به خدایی نمی‌پذیرد.
۲) سقراط خورشید را سنگ و ماه را کره‌ای خاکی می‌داند.

ـ پاسخ سقراط به اتهام انکار خدایان
۱) این افترا بر من وارد نیست زیرا:
آیا ممکن است کسی صفات و امور مربوط به انسان را بپذیرد اما منکر وجود انسان باشد؟ نه ممکن نیست
آیا ممکن است کسی علم، قدرت و عدالت فوق بشری را قبول کند ولی وجود خدا را منکر شود؟ نه ممکن نیست
۲) خداوند مرا مأمور کرده است که
۱- در جست‌وجوی دانش بکوشم.
۲- آن را (دانش را) به دیگران آموزش دهم.
۳) پسندیده نیست من از ترس مرگ از فرمان الهی سر برتابم. اگر چنین می‌کردم باید دادگاهی تشکیل می‌شد و گفته می‌شد سقراط به خدا اعتقاد ندارد.
ترس از مرگ جز این نیست که آدمی خود را دانا بپندارد بی‌آنکه دانا باشد.
۴) ✪ آتنیان! گریز از مرگ دشوار نیست، گریز از بدی دشوار است زیرا بدی از مرگ تندتر می‌دود (ما به نتایج کارهای بدمان زودتر می‌رسیم تا مرگ)
اگر مرگ انتقال به جهان دیگر و همنشینی با درگذشتگان است پس نعمت بزرگی است از کسانی که عنوان قاضی بر خود نهاده‌اند رهایی پیدا کنیم و با داوران دادگر آن جهان روبه‌رو شویم و با نیکان همنشین شویم.

۷- نظر سیسرون فیلسوف بزرگ رومی دربارهٔ سقراط: ۱) او فلسفه را از آسمان به زمین آورد و به خانه‌ها و شهرها برد. ۲) فلسفه را وادار کرد تا به زندگی، اخلاقیات، خیر و شر بپردازد.

اندیشه ۳۹

در رفتار و ... .

۱- چرا سقراط وظیفهٔ خود می‌دانست که دربارهٔ مسائل اساسی زندگی با مردم صحبت کند؟ زیرا سقراط می‌گفت این رسالتی است که خداوند با نداهای غیبی و در رویاها بر عهدهٔ وی نهاده است.

آیا مردم از او چنین درخواستی کرده بودند؟ خیر

۲- سقراط، این وظیفهٔ خود را با چه روشی انجام می‌داد؟ با «روش سقراطی». در این روش سقراط سوال‌هایی را مطرح می‌کرد به طوری که مخاطب و پاسخ‌دهنده را به حقیقت می‌رساند؛ به این صورت که از کسی که داوطلب شده بود سوالی دربارهٔ مفهومی از مفاهیم زندگی می‌پرسید، با توجه به پاسخ او سؤال دیگری طرح می‌کرد و با ترتیب دادن پرسش و پاسخ‌ها، پاسخ‌دهنده را به حقیقت می‌رساند.

۳- مخالفان اصلی سقراط چه کسانی بودند؟ سوفسطائیان و مقامات حکومتی

۴- با توجه به آنچه تا اینجا دربارهٔ سقراط بیان شد، آیا می‌توان برخی از اصول فکری سقراط را به دست آورد؟ دربارهٔ فضیلت و ثروت، عقل و جهل و ...؟ بله- فضیلت: ثروت فضیلت به بار نمی‌آورد بلکه از فضیلت است که ثروت و هرچه که برای فرد و جامعه سودمند است به دست می‌آید. ثروت: نباید جسم و مال و ثروت را برکمال نفس خود ترجیح داد. جهل: از نظر سقراط و انسان خردمند جهل نقص و عیب محسوب می‌شود و هر کس باید درصدد رفع نقص و عیب باشد. بزرگ‌ترین کار سقراط نیز مبارزه با جهل و نادانی بود (با دعوت به خویشتن‌شناسی)

اندیشه ۴۲

✪ سقراط الگویی از ... .

۱- چرا شاکیان، سقراط را متهم به بی‌دینی و انکار خدا می‌کردند؟ آیا واقعاً او اعتقادی به خدا نداشت؟ در جامعهٔ آن روز آتن، دین و سیاست درهم تنیده بود و هر نوع بی‌دینی به منزلهٔ عاملی تهدیدکننده و یک اقدام خرابکارانهٔ سیاسی محسوب می‌شد و هر فردی را به راحتی با این اتهام می‌شد محکوم کرد. به همین دلیل سوفسطائیان سقراط را به بی‌دینی متهم کردند.

۲- آیا می‌توان با تأمل در سخنان وی در دادگاه، برخی دیگر از اندیشه‌های سقراط را به دست آورد؟ مثلاً دربارهٔ خدا، مرگ و ...؟

دربارهٔ خدا: در اثبات وجود خدا سقراط می‌گفت: چطور ممکن است کسی صفات و امور مربوط به انسان را بپذیرد و منکر وجود انسان شود، همین‌طور کسی که علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد نمی‌تواند وجود خدا را منکر شود.

مرگ: گریز از مرگ دشوار نیست گریز از بدی دشوار است (ما به نتایج کارهای بدمان زود و به‌طور حتمی خواهیم رسید.) زیرا بدی تندتر از مرگ می‌دود و چه نعمتی بالاتر از مرگ، اگر مرگ همنشینی با داوران دادگر و نیکان و بلندمرتبگان باشد.

@KonkurVIPPro

۳- چرا سقراط دانایی را در اقرار به نادانی می‌دانست؟ آیا میان «چیزی نمی‌دانم» سقراط با «چیزی نمی‌دانیم» سوفسطائیان تفاوتی هست؟ زیرا فرد بدین‌ترتیب به مرتبه‌ای از خویشتن‌شناسی دست یافته است و از جهل مرکب خلاصی پیدا کرده است. ـ بله، سوفسطائیان به نادانی خود آگاه نبودند اما نمی‌دانم سقراط به این معنی بود که او نسبت به نادانی و جهل خود آگاه است و از دیگران سؤال می‌کرد تا بداند.

۴- وقتی به زندگی سقراط و رفتار او در مقابل دیگران نگاه می‌کنیم، کدام اصول اخلاقی را در رفتار وی می‌توانیم مشاهده کنیم؟ عمده اصول اخلاقی سقراط این بود که انسان باید جویای خوشی و سعادت باشد و خوشی و سعادت در نظر سقراط از طریق مخالفت با خواهش‌های نفسانی به‌دست می‌آید و سعادت هر کس در گرو انجام وظایف خود نسبت به دیگران است و فضیلت در دانش و حکمت است.

فصل ۲: معرفت و شناخت

درس ۶: امکان شناخت

مفاهیم آموزشی

۱- انسان و شناخت
۱) از ویژگی‌های انسان، شناختن است. (ما پدیده‌های پیرامون خود را می‌شناسیم.)
۲) از طریق شناخت پدیده‌ها با آنها ارتباط برقرار می‌کنیم و از آنها استفاده می‌نماییم.
۳) دیدن، شنیدن صداها و ... باعث درک ویژگی‌های اشیا و افراد و شناخت آنها می‌شود.
۴) سخن گفتن، دور شدن از چیزی یا نزدیک شدن به آن و ... ناشی از دانستن و شناختن است.
۵) دربارهٔ اموری برتر از حواسمان مانند گذشته و آینده و ... می‌اندیشیم و دربارهٔ آن نظری داریم.

نتیجه: ما موجودی هستیم که از خود و جهان پیرامون خود شناختی داریم.

۲- ویژگی‌های شناخت انسان
۱) شناخت ما از جهان به‌تدریج افزایش می‌یابد، از آغاز تولد چیزی نمی‌دانیم و گام به گام با پدیده‌های جهان آشنا می‌شویم؛ یعنی با آموختن و یادگیری در مسیر شناخت بیشتر پیش می‌رویم.
۲) علی‌رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، شناخت ما محدود است.
۳) حقایق بسیاری در عالم هست که آنها را نمی‌دانیم و نمی‌شناسیم.
۴) گاهی دچار خطا می‌شویم.
۵) گاهی افراد مختلف در مورد موضوع واحد، نظرها و باورهای متفاوت دارند.

۳- ✪ معرفت‌شناسی
آن بخشی از فلسفه است که به خود پدیدهٔ شناخت می‌پردازد و درصدد است پاسخ پرسش‌های مربوط به شناخت را بدهد. معرفت‌شناسی همیشه جزئی از فلسفه بوده است و اندیشیدن فیلسوف دربارهٔ موضوعاتی مانند هستی، جهان و انسان ناگزیر دیدگاهی دربارهٔ خود اندیشیدن و شناخت را در پی دارد. امّا امروزه به علت طرح پرسش‌های جدّی و جدید معرفت‌شناسی یا (نظریهٔ معرفت) به‌صورت شاخهٔ مستقلی درآمده است.

۴- فیلسوفان دوره‌های مختلف که دربارهٔ معرفت و شناخت بشر نظر داده‌اند
۱) یونان باستان: ۱- افلاطون، ۲- ارسطو
۲) دوره اسلامی: ۱- ابن‌سینا، ۲- شیخ اشراق، ۳- ملاصدرا، ۴- علامه طباطبائی
۳) دوره جدید اروپا: ۱- دکارت، ۲- هیوم، ۳- کانت (فیلسوف قرن ۱۸ آلمان) که موجب شد: ۱) شاخهٔ «معرفت‌شناسی» فلسفه رشد بیشتری کند. ۲) فیلسوفان بیشتری در دورهٔ جدید به آن بپردازند.

۵- چیستی معرفت: معنا و مفهوم معرفت و شناخت، روشن است و نیاز به تعریف ندارد. شناخت همان دانستن و آگاهی است و اگر ابهامی هم از جهت کلمه و لغت باشد، حداکثر با بیان معادلی (معرفت = شناخت) رفع می‌شود.

۶- امکان معرفت
۱) شناخت اشیا و موجودات جهان یک امر بدیهی و روشن است و نیازی به تحقیق و پیدا کردن دلیل ندارد.
۲) صحبت با طرف مقابل یا برداشتن لیوان آب یا ... گویای آن است که به امکان شناخت خود پی برده‌ایم.
۳) همین امر بدیهی چه در گذشته و چه در حال انکار شده است.

۷- ✪ سوفیست‌ها
۱) به علت استفاده از مغالطه‌های مختلف در گفت‌وگوها و در محاکم قضایی هر باطلی را حق جلوه می‌دادند.
۲) به تدریج به این نظر رسیدند که انسان توانایی رسیدن به حقیقت را ندارد و نمی‌تواند به علمی که مطابق با واقع باشد برسد.

ـ عقاید گرگیاس یکی از سوفیست‌ها
۱) اولاً چیزی وجود ندارد.
۲) ثانیاً اگر هم چیزی وجود داشته باشد برای انسان قابل شناخت نیست و انسان ابزار شناخت آن را ندارد.
۳) ثالثاً اگر برای انسان قابل شناخت باشد، نمی‌تواند آن را به دیگری بیاموزد و منتقل نماید.

©KonkurPRO